

يك طغرى وقفنامه

از

مرحوم ظهير الدوله

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
پرتال جامع علوم انسانی

از

سروان محمود احمدی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

يك طغرى وقفنامه  
از  
مرحوم ظهير الدوله

مقدمه :

در حدود سال ۱۲۸۴ ه.ق. هنگامیکه مرحوم ظهیرالدوله، حکمرانی نواحی خراسان را داشت. یکباب حمام، از بزرگترین و مشهورترین حمام‌های تهران، واقع در محله سابق سنگلج را از شخصی بنام «احمد خیام‌باشی» خریداری و درآمد حاصله از آنرا، وقف مراسم سوگواری حضرت سیدالشهداء (ع) نموده است.

نیابت تولیت و ضبط درآمد و هزینه آن طبق شرایط مصرحه وقفنامه، بعهده شخصی بنام «آقا نصرت» فرزند مرحوم ملا عبدالکریم، شیخ‌الاسلام دارالخلافة طهران واگذار گردیده است.

این سند، روی پارچه کتانى بابعاد (۱۰۷×۵۱) سانتیمتر، با ذوق و سلیقه خاصی تنظیم و حاشیه آن با خطوط آبی، قرمز و طلائی، با ظرافت و زیبایی بسیاری، تذهیب شده. مطالب متن، بخط نسخ بسیار قشنگ بامرکب مشکی و نکات برجسته آن از قبیل آیات قرآنی و جملات عربی، با رنگ قرمز نگارش یافته است.

مرحوم ظهیرالدوله در امضای سند، از دو نوع مهر مخصوص خود استفاده کرده است:

**نوع اول:** مهر مربع شکل، با عنوان مخصوص و لقب درباری و حکومتی، بنام «ظهیرالدوله العلیه»، (قسمت بالای حاشیه سمت راست سند).

**نوع دوم:** مهر مربع شکل، بنام «محمد ناصر» (قسمت پائین آخرین سطر سند).

نویسنده سند، شخصی بنام «عبدالعلی فراشباشی» بوده و نام خود را در سمت راست حاشیه داخل کادر بالای سند نوشته است. تعداد شهود، با نویسنده سند، پانزده نفرند که نه نفر آنها، حاشیه سمت راست سند (پائین تر از مهر ظهیرالدوله) و شش نفر دیگر، حاشیه بالای سند را مهر و امضاء کرده اند.

اینک متن سند را عیناً از نظر خوانندگان گرامی مجله بررسیهای تاریخی میگذرانند: *مطالعات فرهنگی*

هو الواقف علی ضمائر العباد  
من الخیر و الشر و الفساد  
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی وفقنا للوقوف علی مافی صلة  
الارحام من الاجر و الثواب و جعلها ممن یزکی  
الاعمال و ینمی الاموال و تدفع البلوی و تیسر

۱- خداوند آگاه است بر نهاد بندگان، از خوبی و بدی و تباهی.

العسنت. والصلوة والى سلام على شمس فلك<sup>۲</sup>  
الرسالة و بدر افق النبوة والجلالة . محمد  
المبعوث على كافة الانام<sup>۳</sup> وآله البررة العظام  
الكرام.<sup>۴</sup>

اما بعد. برواقفان مواقف حق پرستی و زارعان مزارع هستی  
که بدولت حق و پیش بینى سر بلند و بسعادت عاقبت گزینی ارجمنند،  
پوشیده نماناد که باقتضای کریمه<sup>۵</sup> « وما خلقت الجن والانس الا  
لیعبدون<sup>۶</sup> »

غرض اصلی از ایجاد ساکنان اقلیم شهود و علت غایی از  
ابداع مقیدان سلسله وجود، جز این نیست که همگی بعد از معرفت  
صانع بیچون و شناخت خالق کن فیکون<sup>۷</sup> عنان عزیمت بصوب باصواب

۲- در کلمه فلك، در اصل سند اشتباهاً يك فتحه اضافی روی حرف (ك) نوشته شده، نویسنده علامت حذف، اطراف فتحه را نقطه چین کرده است.

۳- در اصل سند «الانام» حرف (ل) بعد از الف زائد است و «الانام» صحیح است.

۴- سپاس برخداوندی که ما را موفق و آگاه گردانید بر نیکی و احسان درباره خویشاوندان با مزد و پاداش نیک. و قرارداد آنرا وسیله پاکیزگی اعمال و افزایش دارائی و جلوگیری از بلاها و دستیابی بر خوبیهها. و درود و سلام بر خورشید سپهر رسالت و ماه شب چهارده افق پیغمبری، محمد (ص) که مبعوث گردید بر همه مخلوق. و درود بر خاندان پاک و بزرگوارش باد.

۵- در اصل سند کلمه «آیه» قبل از کلمه «کریمه» از قلم افتاده است باقتضای آیه کریمه صحیح است.

۶- نیافریدم جن و آدمی را، مگر اینکه پرستش نمایند مرا (سورة الذاریات- آیه ۵۶)

۷- کن فیکون (صفت باریتعالی) اشاره بآیه شریفه: انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون (هنگامیکه او امر الهی بر چیزی اراده نماید، اگر بآن بگوید: باش. خواهد بود. سورة مبارکه یس آیه ۸۲).

امثال اوامر و نواهی معطوف و همت و الانهت و احقاق حقوق الهی،  
کماهی مصروف داشته، بوظایف عبادات و مراسم طاعات، کما ینبغی،  
قیام و اقدام نمایند و به بذل نفایس اموال «ابتغاء لوجه ذی الجلال  
و تقرباً الی الله المتعال» دست انفاق گشایند و چون بدالات داله  
عقلیه و شهادت شواهد نقلیه فروغ، براستی این مقال برآیند.

قلوب معنی نمایی صورت حق بین ارباب کمال، پرتو افکن  
است که هر نهال طاعتی که بدست امثال، در اراضی طیبه فضایل  
غرس نمایند، تا بدو حه<sup>۸</sup> شمره متابعت ملت خاتم الانبیاء پیوند  
نگردد و در بستان سرای قلب آب و هوای پیروی شریعت مقدسه  
غرا، نشو و نما نیابد، در ریاض دلگشای: «جنات تجری من تحتها  
الانهار» بار نهد و هر تخم عملی که بکف امیدواری و رجاء  
«الدنیا مزرعة الاخرة» نپاشند، مادامیکه باب سرچشمه خلوص  
محبت و وداد و صفای طویت و اعتقاد، نسبت به ائمه طاهرین علیهم

۸- دوحه: درخت تناور و پرشاخ و برگ. مثال از سعدی:

روضه ماء نهرها سلسال      دوحه سجع طیرها موزون  
آن پر از لاله های رنگارنگ      وین پر از میوه های گوناگون  
باد در سایه درختانش      گسترانیده فرش بوقلمون

(دیباچه گلستان سعدی، تصحیح مرحوم محمدعلی فروغی ص ۷۶ چاپ

محمد علی علمی).

۹- قسمتی از آیه شریفه: **والذین التبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه**  
**واعده لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدآ ذلك الفوز العظیم** (آنان که  
پیروی کردند نیکی را، خداوند از ایشان خشنود گردید و ایشانهم از نیکی خود  
خشنود خواهند بود. آماده نمود (خداوند) برای آنان بهشتی که از آن نهرها  
جاری است همیشه در نعمت و کامیابی خواهند بود. (سورة التوبه آیه ۱۰۱)  
۱۰- این جهان گشتزار آخرت است.

السلام، پرورش نپذيرد<sup>۱۱</sup> در روز نشور و وقت وزيدن تفعه صور<sup>۱۲</sup> و هنگام باددادن خرمن اعمال که محل برداشتن کشته امالی و آمال است، يك جو بکار نياید. لاجرم سالکان مسالك شرع انور و ناسکان مناسک ملت خيرالبشر را لازم است که همگی ممتلكات و متصرفات خود را برسبيل رضا جویی جناب اقدس کردگار و طريق اخلاص مندی ائمه اطهار، صلوات الله عليهم صرف نمايند.

لهذا در اين اوان ميمون و زمان همایون و روزگار بسعادت مقرون و ايام ببرکت مشحون، به يمن توفیقات سبحانی و توفيق تأييدات صمدانی، در جلوس فرمان فرمایی ارض اقدس طوس . جناب جلالت مآب بندگان سپهر **شادروان**<sup>۱۳</sup> فلک شأن، قضا چريان، ثريا مکان، عظمت و حشمت و اجلال توأمان، ايالت و عدالت و نصفت بنیان، مشيد قوانین ابهت و کامکاری، مؤسس اساس معدلت و جهانداري سراج و هاج انجمن ايالت و فرمانروایی و شمع بيضای شبستان رأفت و مرحمت افزایی.

۱۱- در اصل سند يك حرف (و) زائداست و بعلامت حذف، نقطه چين شده است.

۱۲- اشاره ست بآیه کریمه: **ونفخ فی الصور، فاذا هم من الاجداث الی ربهم ينسلون** (هنگامیکه دمیده شد صور اسرافیل، مردم از قبرها بیرون آمده و بسوی پروردگارشان می‌شتابند. سوره یس آیه ۵۱)

۱۳- (۱) **شادروان** (بضم ثالث و سکون رابع) پرده بزرگی را گویند، مانند شامیانه و سراپرده که در پیش درخانه و ایوان ملوک و سلاطین بکشند، و سایبان رانیز گفته‌اند، و بمعنی فرش و بساط بزرگ گرانمایه هم هست وزیر کنگره‌های عمارتها و سردر خانه‌ها را نیز گفته‌اند (برهان قاطع) جلد سوم ص ۱۲۲۳- تصحیح دکتر محمد معین).

(۲) **شادروان یا شادروان**: سکونی که در دور پائین کعبه ساخته شده و جزء خانه کعبه است و سابقاً قسمتی از درون بنای کعبه بوده و در زمان حجاج بن یوسف از درون خانه کعبه کسر گردیده (توضیح المناسک حج ص ۲۰۹ تألیف مهدی ملتجی).

صاحب جودی که ابر نیسانی از درفشانی کف کرمش خجل ،  
و معدن وکان، از زربخشی ید جودش منفعل. امیرالامراء العظام،  
محرم اسرار سلطانی و مؤتمن مکنون خاطر قاآنی را قرین گردیده:  
«تقرباً الی الله، و ابتغاء لمرضات الله»<sup>۱۴</sup> وقف مؤبد صحیح شرعی و  
حبس مخلد اسلامی نمودند، همگی و تمامی کل یکدرب<sup>۱۵</sup> حمام، ملکی  
متصرفی خود را که واقع است در «دارالخلافة طهران»<sup>۱۶</sup> در محله

۱۴- تقرباً الی الله (بخاطر نزدیک شدن بخداوند). وابتغاء لمرضات الله (بخاطر  
جلب رضای خداوند) قسمت دوم برگزیده ایست از آیه شریفه: و من الناس من  
یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد (از مردمان کسی هست که میفروشد  
وجود خویش را برای جلب رضای خداوند. بدرستی که خداوند، دوست و مهربان  
است با بندگانش. سوره البقرة - آیه ۲۰۳)  
۱۵- یکدرب = یکباب .

۱۶- کتاب اطلس فرهنگی در مقدمه جداول، دارالخلافة طهران را چنین  
شرح میدهد: یوزین که در حدود ۱۲۵۸ ه.ق نقشه دارالخلافة را رسم کرده است  
در وصف «درب دولتخانه» شرحی مفصل نوشته و جزئیات آن عمارت را بدین  
صورت نقل کرده است:

دارالخلافة تهران چهارده حیاط دارد با ساختمانهای متعدد مثل: دولتخانه-  
کلاه فرنگی - دفترخانه - صندوقخانه - زرگرخانه - عمارت شیر و خورشید -  
سروستان- خلوت شاه و گلستان. تهران ۱۲ دروازه قدیمی داشت. هر دروازه‌ای  
۴ تا ۶ گلدسته مزین بکاشی‌کاری داشت. در قسمت داخلی دروازه‌ها، محوطه‌ای  
به وسعت ۱۰۰۰ مترمربع با آب انبار و چند اطاق برای فرود آمدن کاروانیان ایجاد  
شده بود. نام این دروازه‌ها عبارت بودند از:

دروازه شمیران	دروازه غار
دروازه دولت	دروازه شاه عبدالعظیم
دروازه یوسف‌آباد	دروازه قزوین
دروازه باغشاه	دروازه مشهد
دروازه گمرک	دروازه دولاب
دروازه خانی‌آباد	دروازه دوشان‌نپه





در حدود سال ۱۲۸۶ هـ. ق در داخل شهر تهران ، پنج محله بوده است بناهپای :

محله عودلاجان	محله بازار
محله چالمیدان	محله ارگ سلطانی
محله سنگلج	

و در خارج شهر محله‌هائی مثل محله دولت دیده میشد . جمعیت این محله‌ها عبارت بودند از :

۱- محله ارگ	۳۰۱۴ تن
۲- محله چالمیدان	۳۴۵۴۷ تن
۳- محله بازار	۲۶۶۷۴ تن
۴- محله عودلاجان	۳۶۴۹۵ تن
۵- محله سنگلج	۲۹۶۷۳ تن
خارج از شهر	۱۶۸۵۳ تن

در این هنگام بحدود ۸ کرور و ۶۰ ذرع مساحت شهر بوده و ۹۰۰۰۰ خانه - ۴۷ مسجد - ۳۵ مدرسه - ۳۴ تکیه - ۱۷۵ دکان نانوايي - ۱۹۰ حمام عمومي ۱۳۰ کاروانسرا - ۲۰ یخچال - ۷۰ کوره پزخانه - ۲۷۷ اصطبل و ۱۶۰ خانه برای یهودیان در تهران یافته میشد .

جمعیت دارالخلافة طهران از زمان سلطنت آغا محمد خان قاجار بشرح زیر است :

۱- در دوره سلطنت آغا محمد خان	۵۰۰۰۰ تن
۲- در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه	۱۶۰۰۰۰ تن
۳- در سال ۱۳۰۲ (۲۴۸۲ شاهنشاهی)	۱۹۶۰۰۰ تن
۴- در سال ۱۳۱۰ (۲۴۹۰ شاهنشاهی)	۳۰۰۰۰۰ تن
۵- در سال ۱۳۱۹ (۲۴۹۹ شاهنشاهی)	۵۴۰۰۰۰ تن
۶- در سال ۱۳۲۵ (۲۵۰۵ شاهنشاهی)	۸۸۰۰۰۰ تن
۷- در سال ۱۳۳۵ (۲۵۱۵ شاهنشاهی)	۱۸۰۰۰۰۰ تن
۸- در سال ۱۳۴۵ (۲۵۲۵ شاهنشاهی)	۲۷۲۰۰۰۰ تن
۹- در سال ۱۳۵۳ (۲۵۳۳ شاهنشاهی)	۳۴۲۴۰۰۰ تن
مجموعاً با شهر ری و وراهین	۳۷۹۱۷۱۴ تن

(نقل از کتاب اطلس فرهنگی شهر تهران - مقدمه جلد اول ص هشتم و نهم).

(به نقشه آخر مقاله مراجعه فرمائید)

سنگلج<sup>۱۷</sup> محدود به حدود ذیل:

[ - ] - از طرفی - از جانبی - از سمتی.<sup>۱۸</sup>

باکافه ملحقات شرعیه و قاطبه منضمت عرفیه آن، از ممر و مدخل و خارج و داخل و خزانه و خلوت و بارانداز و حیاض<sup>۱۹</sup> و دریاچه و منبع و بئر<sup>۲۰</sup> و بالوعه<sup>۲۱</sup> و غیرها و کلماتی متعلق بهها، از

۱۷- شهر تهران در دوران سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر، از نظر ساختمان و خیابانهای وسیع و زندگی مردم، تغییر و پیشرفت بسیاری کرد. برنامه خیابان سازی و نوسازی شهر تهران از سال ۱۳۱۶ (۲۴۹۶ شاهنشاهی) آغاز شد. ساختمانهای تازه که با وسایل مدرن و جدید ساخته میشوند و خانههای بسیار زیبا و مجلل که سراسر خیابانهای جدید الاحداث و کوچههای مستقیم و روشن را زینت میداد، با ساختمانهای کهنه و مخروبه که دارای کوچههای کثیف و پرپیچ و خم و تاریک بود، قابل مقایسه نبود. همین امر سبب شد که از بهای خانههای مخروبه و بسیار قدیمی شهر، روز بروز کاسته شده و برعکس به بهای نواحی تازه ساز افزوده شود و مردم فقیر و تهیدست، در محلههای کهنه و مخروبه سنگلج و نودلاجان و اطراف کورهها منزل کنند.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر، دستور داد، محله قدیمی و بسیار مخروبه سنگلج را بمنظور نوسازی، از ساکنین آن خریداری و منهدم نمایند. اکنون در قسمتی از زمین آن محله، ساختمانهای مدرن و زیبای دولتی بنا شده و در قسمت دیگر از آن پارک شهر فعلی احداث گردیده و مورد استفاده عموم قرار گرفته است. (نقل از مقدمه جلد اول ص ۹۸ و کتاب اطلس فرهنگی شهر تهران با تلخیص).

۱۸- گویا تنظیم کننده سند در نظر داشته است مشخصات کامل اعیان و همسایگان مجاور موقوفه و جهات چهارگانه را بعداً بنویسید ولی فراموش کرده است (نویسنده).

۱۹- حیاض = جمع حوض : تالاب و آبگیر، گودالی که در زمین درست کنند برای نگاه داشتن آب. احواض و حیاض جمع (المنجد)

۲۰- بئر : چاه آب.

۲۱- بالوعه : چاه فاضل آب خانه، چاهی که در آن آب باران و آبهای گندیده ریخته میشود، آبریز، بوالیع جمع (فرهنگ عمید).

آنچه من جمله حمام مزبور دانند و شمرند و نسبت دهند  
سمى ام لم یسم. <sup>۲۲</sup> ذکر ام لم یذکر. <sup>۲۳</sup>

که از عالیجاه معلى جایگاه: «احمد خان خیام پاشی» <sup>۲۴</sup> به انتقال  
شرعی منتقل شده بود، بجناب جلالتمآب معظم. بر تغریب داری  
خامس آل عبا و برگزیده خالق ارض و سماء و ثالث ائمه هدی و  
گلگون کفن صحرای کربلا و «مقتول به سیف الجفاء والمخضب  
بالدماء» <sup>۲۵</sup> مفخر آل یس و طه <sup>۲۶</sup> جناب سید الشهداء روحی و روح  
العالمین له الفداء که در هر عصری از اعصار، متولی شرعی وقف  
مزبور، حاصل و منافع عایده از وقف مزبور را بعد از وضع  
تعمیرات و مخارج لازمه آن که مقدم بر جمیع مصارف است.

دو عشر از کل آن را متولی، بحق التولیة خود صرف نماید و  
یک عشر دیگر را بحق النظارة ناظر وقف مزبور تسلیم نماید و بقیه  
را که هفت عشر دیگر باشد، متولی شرعی وقف مزبور در هر مکان

۲۲- سمی ام لم یسم : نامبرده شده و نشده .

۲۳- ذکر ام لم یذکر : یادآوری شده و نشده .

۲۴- واگذارکننده حمام، به مرحوم ظهيرالدوله .

۲۵- کشته شمشیر ستم و رنگین شده بخون خویشتن .

۲۶- یس و طه : (۱) نام دوسوره متبرکه قرآن کریم. (۲) از القاب مخصوص

حضرت رسول (ص) و خاندان آن بزرگوار . مرحوم عبدالرحمن جامی شاعر  
پارسی گوی گرانقدر ایران ، هنگام تشرف باستان مقدس حضرت امام رضا (ع)  
دو کلمه یس و طه را در دویستی عربی زیر بسیار لطیف و شیرین سروده است :

سلام علی آل طه و یس	سلام علی آل خیر النبیین
سلام علی روضة حل فیها	امام یباهی له الملك و الدین
سلام بر عترت پاک حضرت رسول	سلام بر عترت پاک بهترین پیغمبران
سلام بر آستانیکه در آن آرمیده است	پیشوائی که مباحثات میکنند بر او ملک و دین

(مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی ص ۹۲۸ - ترجمه مهدی الهی قمشه ای) .

و بهر نحوی که صلاح بداند ، صرف و خرج تعزیت داری آنجناب روح العالمین فداه، همه ساله نماید و جناب جلالت مآب واقف معظم، دام اجلاله، تولیت وقف مزبور را مفوض نمودند به عالیجاه معلی جایگاه، نتیجه الاعاظم والاعیان: «آقا نصرت»<sup>۲۷</sup> خلف الصدق مرحمت وغفران پناه، رضوان جایگاه «ملا عبدالکریم» شیخ الاسلام دار- الخلافة طهران و نظارت وقف مزبور را مفوض فرمودند به اعلم علماء دارالخلافة که ماداماً فی قید الحیات، متولی معظم الیه، امور وقف مزبور را حسب القرار بندگان واقف، معمول دارد باطلاع جناب ناظر و در صورت وفات متولی معظم خدا نخواسته، تولیت وقف مزبور مفوض خواهد بود باصلح و ارشد اولاد ذکور متولی مزبور، بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل، الی ان ینقرض علی الترتیب، لاعلی التشریک و عند الانقراض ، تولیت وقف مزبور ، مفوض خواهد بود، به اصلح اولاد ذکور جناب واقف معزی الیه، بطناً بعد بطن، الی ان ینقرض. و مع الانقراض جمعاً. تولیت و نظارت وقف مزبور، مفوض خواهد بود به همان اعلم علمای دارالخلافة طهران که جمع آوری منافع و مداخل وقف مزبور را کما ینبغی نموده و بعد از وضع تعمیرات لازمه وقف مزبور، و دو عشر جهة حق التولية و حق النظارة بقیه را حسب القرار واقف معظم، صرف و خرج تعزیت داری آن بزرگوار در هر جا صلاح داند نماید.

فصار وقفاً، صحیحاً، صریحاً، شرعياً، ملیاً، اسلامياً. بحيث لا یباع و لا یرهن و لا یوهب و لا یصلح،<sup>۲۸</sup> و جناب جلالت مآب بندگان واقف دام اجلاله اعیان موقوفه را از تحت تصرف و قید تملك خود اخراج

۲۷- شخص مورد اعتماد مرحوم ظهیرالدوله و نایب التولية مورد وقف .

۲۸- واقع گردید، وقف صحیح و صریح شرعی ملی اسلامی، بگونه ای که فروش و

گروگان و بخشش و واگذاری در آن نباشد .

و بتصرف متولی وقف مزبور واگذار فرمودند که حسب القرار جناب واقف معمول دارد.

و صیغه شرعیة بالعریبة و الفارسیة علی النهج الشرع القویم، بر مراتب مسطوره، واقع و جاری شد. و این چند کلمه جهت وقف نامچه شرعیة معتبرة قلمی گردید.

وكان ذالك، فی غرة شهر رمضان المبارك، من شهر سنة اربعة وثمانين ومأتين بعد الالف ۱۲۸۴ من الهجرة النبوية المصطفوية علی هاجرها، الف آلاف الثناء والتحية.<sup>۲۹</sup>

سواد مهر : محمد ناصر<sup>۳۰</sup>

### حواشی و سواد مهر شهود

نظرات و سواد مهر شهود (حاشیة سمت راست و حاشیة بالای سند) برای مزید اطلاع، بطور جداگانه در پشت سند به ترتیب زیر چاپ شده است :

#### حاشیة سمت راست سند:

۱- حضرت ابی عبدالله الحسین علیه آلاف التحية والثناء<sup>۳۱</sup>

۲۹- و انجام شد (وقف) در اول ماه مبارك رمضان، از ماههای سال یکهزار و دو بیست و هشتاد و چهار (۱۲۸۴) از هجرت حضرت رسول (ص)، بر عظمت و بزرگواری وی، هزاران هزار سلام و درود باد.

۳۰- مهر شخصی مرحوم ظهیرالدوله.

۳۱- طبق مرسوم مکاتبات دیوانی زمان قدیم، هرگاه در اسناد و فرامین، نام یکی از معصومین (ع) و امامزادگان یا شاهزادگان و شخصیتهای محترم می آمد، در متن نمی نوشتند. بلکه بعنوان ادای احترام، نام وی را در بالای سند یا فرمان می نوشتند. بهمین دلیل نام حسین بن علی (ع) و مرحوم ظهیرالدوله بجای متن سند، در حاشیة آن نوشته شده است.

(رک. بررسیهای تاریخی شماره ۲ سال هفتم ص ۲۶۱ - بقلم آقای سید حسین مدرسی طباطبائی).

## ۲- بندگان اجل اکرم اعظم: «ظهير الدولة العلية العالیة، محمد ناصر خان قاجار»<sup>۲۲</sup> حکمران مملکت<sup>۲۳</sup> خراسان و مقبل آستان عرش

۲۲- محمد ناصر خان قاجار دولو، ظهير الدولة، پسر محمد ابراهيم خان سردار و پدر عليخان صفاء (باصطلاح دراويش صفا عليشاه) ظهير الدولة بوده و محمد ناصر خان مانند پدرونيای خويش در زمان سلطنت محمد شاه و ناصر الدين شاه قاجار، یکی از امراء و بزرگان قاجاریه بود. در سال ۱۲۶۳ ه. ق حسن خان سالار قاجار دولو، بواسطه جاه طلبی و عدم رضایت از اوضاع مملکت و سازش با بیگانگان، برضد دولت قیام نمود و دولت وقت هم در این هنگام بسیاری از اشخاص را با اتهام اینکه با او هم دست بوده و یا از وی طرفداری میکنند، حبس یا تبعید نمود.

محمد ناصر خان، بنا بر رأی حاج میرزا آقاسی، صدراعظم وقت و تصویب شاه به کرمان تبعید و در آنجا زندانی و تحت نظر قرار گرفت. محمد ناصر خان پس از مرگ محمد شاه، از غیبت حاکم استفاده کرد و بدون اجازه دولت و حاکم، از کرمان بسمت تهران رهسپار گردید. فضلعلی خان قراباغی بیگلربیگی و حاکم کرمان که در نواحی یزد بسر میبرد، از موضوع فرار محمد ناصر خان از کرمان آگاه شد. او را در حدود اردکان توقیف نموده و بکرمان برگرداند.

پس از جلوس ناصرالدین شاه به تخت سلطنت در سال ۱۲۶۴ ه. ق و تعیین ظهیراسب میرزا مؤید الدولة بحکومت کرمان و آمدن فضلعلی خان بیگلربیگی به تهران، محمد ناصر خان نیز به تهران آمد و تا مدتی بیکار بود، با پیش آمدن قضیه مرو و تلف شدن بیشتر قوای دولت (در حدود چهل تا پنجاه هزار نفر) ناصرالدین شاه، حمزه میرزا حشمت الدولة و میرزا محمد آشتیانی و قوام الدولة رادر سال ۱۲۷۷ ه. ق از حکومت و پیشکاری خراسان معزول و بجای آنان، سلطان مراد میرزا احسام السلطنه را برای بار سوم بحکومت خراسان و محمد ناصر خان راملقب به ظهیر الدولة نموده، بسمت پیشکاری (معاونت) و سرداری (فرمانده لشکر) انتخاب و بخراسان فرستاد. در سال ۱۲۷۸ بحکومت استرآباد (کرگان فعلی) و شاهرود و بسطام و غیره منصوب شد.

در سال ۱۲۷۹ ه. ق که ظل السلطان بحکمرانی فارس تعیین شد. محمد ناصر خان ظهیر الدولة تا سال ۱۲۸۰ فقط یکسال در فارس پیشکار او بود. میرزا محمد قوام الدولة آشتیانی پس از واقعه ناگوار مرو، با دادن هدایا و پیشکشی قابل ملاحظه ای بشاه بجای وی منصوب و به شیراز فرستاده شد. در سال ۱۲۸۳ ه. ق ایشیک آقاسی باشی شد. (شغل ایشیک آقاسی باشی در آن دوره چه از حیث

مادى و چه معنوى، يکى از کارهاى مهم و پرخدا دربارسلطنتى و محل ارباب رجوع بود. درمنشآت **ميرزا ابوالقاسم خان قائم مقام**. درنامه‌اى که به ميرزاموسى خان برادر خود نوشته و از اوضاع دربار فتحعليشاه، بخصوص **عبداله خان امين الدوله** نقادى کرده است، کار ايشيك خانه واضح ميگردد).

درسال ۱۲۸۳ هـ. ق ناصرالدینشاه ب فکر تشکيلانى برای اين مملکت افتاد، بنا بر اراده و ميل خود هرکسى را بر سر کارى گذاشت و اختيارات هر يك را تعيين نمود. در اين تشکيلات **محمد ناصر خان ظهير الدوله** را وزير دربار و بعلاوه رئيس تشریفات (ايشيك آقاسى) خود کرد. رسيدگى بامور: شاهزادگان - علماء - سادات - اعيان - اشراف - انتظام امور خادمان - حرمسرا و خواجه سرايان - بناخانه - چاپارخانه - اداره غله تهران - حکومت جوشقان - حکومت گلپايگان و خوانسار بوى محول شد.

درسال ۱۲۸۴ هـ. ق برای بار دوم حکومت خراسان بوى واگذار شد و بطرف ماموريت خود روانه شد. در کتاب **مائروالاتار**، ظهير الدوله راحکم و در کتاب **منتظم ناصرى**، وزير (معاون حکومت) خراسان نوشته اند و موضوع هر دو کتاب صحيح است، زیرا در اين تاريخ **سلطان حسين ميرزا جلال الدوله** پسر پنجم ناصرالدینشاه و برادر کبتر **ظل السلطان** که طفلى ۱۵ ساله بوده، فقط عنوان حکومت خراسان رداشته و اسماً حاکم بوده، ليکن رسماً تمام کارها با خود **محمد ناصر خان ظهير الدوله** بوده است.

پس از اينکه **حاج ميرزا حسين خان مشير الدوله** درسال ۱۲۸۸ هـ. ق به وزارت عدله و وظائف اوقاف منصوب شد. پس از هفت ماه که از وزارت او گذشت تغيير شغل داده، به وزارت جنگ منصوب و به **سپهسالار اعظم** ملقب گرديد. بجای او **محمد ناصر خان ظهير الدوله** که سمتش ايشيك آقاسى باشى بود، به وزارت عدليه منصوب گرديد.

درسال ۱۲۹۲ پس از درگذشت **حسين خان شاهسون (نظام الدوله)** حاکم خراسان، **ظهير الدوله** بجای وی مستقلاً به آستاندارى خراسان منصوب و روانه گرديد. درسال ۱۲۹۴ هـ. ق درگذشت.

(کتاب شرح حال رجال ايران - در قرن ۱۲-۱۳-۱۴ هجرى - نگارش مهدي بامداد - ص ۱۳ - جلد چهارم)

۳۳- نویسنده، مملکت را بمعنی **ایالت** بکار برده است.

نشان، امام الانس والجان،<sup>۳۴</sup> ادام الله شوکتته و اجلاله و دولته  
سواد مهر: ظمیرالدوله العلیة.



ظمیرالدوله

۳- بسم الله تعالى: اعترف الواقف الموفق، دام اجلاله، بما  
زیر فید لدى، حرره فی الثانی والعشیرین من شهر شوال ۱۲۸۴  
سواد مهر: نصرالله

۴- قدا اعترف الواقف الموفق المعظم، بكلما رقم و سطر فیه لدى<sup>۳۵</sup>

۳۴- منظور، حضرت امام رضا (ع) است.

۳۵- در این قسمت، توضیحات شاهد نوشته شده، ولی مهر و امضاء  
وجود ندارد.



۵- هو: قد تشرفت باستماع الاعتراف من الواقف المؤيد بالوقف المؤبد و انالعبدالجانى

سواد مهر: افوض امرى الى الله، عبده رضا قلى.

۶- قد اعترف الواقف الموفق بكلما رقم و زبرفيه لدى

سواد مهر: مولوى

۷- أنا من الشاهدين، نورمحمدخان

سواد مهر: افوض امرى الى الله، عبده نور محمد.

۸- ذالك كذالك، جانمحمدخان

سواد مهر: محمدخان ابن ابراهيم.

۹- اقر واعترف بمافيه لدى، حرره عليرضا

سواد مهر: عليرضا

۱۰- اعترف بمافيه لدى سواد مهر: محمدرضا

۱۱- اقل السادات، تقى الحسينى تفرشى، بروقوع مصالحة

مزبوره بين، شاهد است سواد مهر: محمد تقى الحسينى<sup>۳۶</sup>

۱۲- بسم الله خير الاسماء، اعترف الواقف الموفق، دام اجلاله

بما زبر فيه لدى، فى ۲۳ شهر شعبان<sup>۳۷</sup> سنة ۱۲۸۴، اقر بمافيه

سواد مهر: العبد المذنب، احمد الرضوى.

۳۶- در ذيل توضيحات نام محمد تقى الحسينى، سواد مهر، دوبار بطور عكس

يكديگر زده شده است.

۳۷- گواهي دهنده، تاريخ امضاي خود را ۲۳ شعبان نوشته و گوياشتباه

كرده است. چون تاريخ تنظيم سند، اول ماه رمضان بوده و شهود، در ماه شوال (بعد از ماه رمضان) آنرا امضاء کرده اند.

### قسمت بالای سند :

۱۳- بسم الله الرحمن الرحيم، اعترف الواقف الموفق، دام  
اجلاله العالی، بما فيه لدى، حرره

سواد مهر: الرحمن على العرش استوى. ۳۸

۱۴- هو الله تعالى، تشرفت باستماع الاقرار منه، حرره  
العبد الاقل . سواد مهر : محمد صادق الرضوى

۱۵- بسم الله الرحمن الرحيم، اعترف دام اجلاله بالوقف و  
بالاقباض، على ما رقم فى الورقة  
سواد مهر: عبدالله بن محمد بن عبدالله

۱۶- بسم الله الموفق للخيرات، قد اعترف جناب الواقف الموفق،  
زيد اقباله العالی، بجميع ما رقم و [-] فيه، فى ۲۲ شهر شوال  
المكرم، من السنة سواد مهر: المتوكل على الله عبده محمد كاظم .

۱۷- بسمه تعالى، اعترف الواقف المعظم اليه ، بما زبر فيه  
من الوقف، مستجمع بجميع الشرايط، حرره الاقل  
سواد مهر: عبده الراجى عبدالجواد .

۱۸- تشرفت بشرف الاقرار، من الواقف المؤيد ، ادام الله  
شوكته و كتبتته و انا العبد الجانى، عبدالعلى فراشباشى

سواد مهر: الواثق بالله الفنى عبده عبدالعلى ۳۹

۳۸- درسواد مهر: الرحمن على العرش استوى (خداوند تعالى بر كائنات  
استيلا دارد- سورة طه آية ۴). نام صاحب مهر «رحمن» است و با اين آية شريفه،  
مهر خود را زينت داده است. (نگارنده)

۳۹- عبدالعلى فراشباشى - نويسنده سند وقفنامه است .

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی